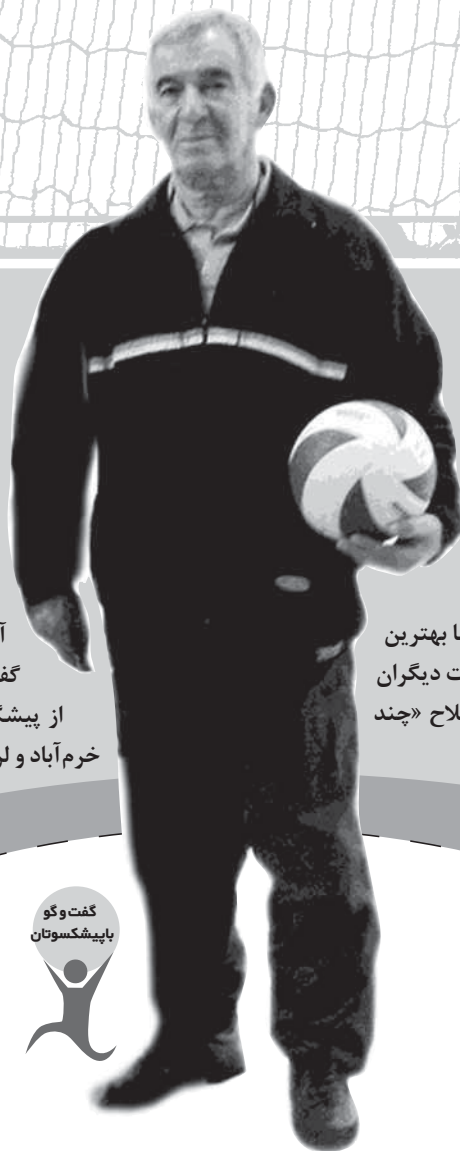


جبران کمبود امکانات با عشق، تعصب و ابتکار

گفت‌وگو با پرویز جایدری،
نخستین مربی و داور رسمی فوتبال لرستان



یک دهه افتخار حضور در
بدنه تربیت‌بدنی آموزش و پرورش،
مراودا داشت به منظور آشنایی
با پیشینه‌ای از آن، به سراغ
پیشکسوتان این عرصه بروم.
آن‌چه در ادامه می‌خوانید،
گفت‌وگویی نیم‌روزی با پرویز جایدری
از پیشگامان تربیت‌بدنی آموزش و پرورش
خرم‌آباد و لرستان است:

اشاره
تجربه از عوامل موفقیت در
کارها به حساب می‌آید. یکی از
روش‌های کسب تجربه، روش
آزمون و خطا است که معمولاً با
صرف زمان و هزینه میسر است، اما بهترین
راه کسب تجربه استفاده از تجربیات دیگران
به خصوص کسانی است که به اصطلاح «چند
پیراهن بیش از ما پاره کرده‌اند.»

گفت‌وگو
با پیشکسوتان



گفت‌وگو: فرید بهرامی
دبیر هنرستان تربیت‌بدنی المپیک ناحیه دو خرم‌آباد استان لرستان

عمدهٔ رشد و توسعهٔ ورزش در لرستان و به خصوص در خرم‌آباد به اواخر دههٔ ۴۰ باز می‌گردد که با افزایش دبیران ورزش خرم‌آباد شاهد رشد و اشاعهٔ آن در مدارس بودیم

● لطفاً مختصری
از خودتان بگویید:

○ متولد سال ۱۳۱۵

در خرم‌آباد و بازنشسته
آموزش و پرورش لرستان هستم.

● چگونه به دنیای ورزش پای نهادید؟

○ ورزش را از حدود ۱۰ سالگی و به سال ۱۳۲۵ در کنار افرادی چون هوشنگ جباری، منوچهر رهبری نژاد، پنج‌شنبه کمالیان، مرحوم ابراهیم معنوی، طهمورث رستمی، باقر سلطانی و... در زمین‌های خاکی شهناوی (پارک شهر کنونی خرم‌آباد) و محلهٔ دو برادران آغاز کردم. مربی ما، در دبستان ۱۵ بهمن معلم هم بود در حالی که تنها ۳ سال با ما اختلاف سنی داشت. بیش‌تر به فوتبال و دو و میدانی می‌پرداختم. مرحوم پدرم، حاج محمدعلی جایدری، مشوق اصلی من در امر تحصیل و ورزش بود. هر وسیله‌ای که نیاز داشتیم برایم سریعاً فراهم می‌کرد. برای مثال، سال ۱۳۳۲، یک جفت کفش فوتبال چرمی استوک‌دار از آبادان برایم هدیه آورد. هم‌چنین وسایلی نظیر وزنه و هالتر را برایم مهیا می‌کرد.

● امکانات ورزشی در آن موقع به چه شکلی بود؟

○ بسیار کم و ناچیز! زمین‌های ورزشی خاکی و مملو از علف‌های هرز و سنگ و کلوخ بود. توپ چرمی فرسوده نیز تنها وسیلهٔ بازی فوتبال یا والیبال عده‌ای عاشق به شمار می‌رفت که در این عرصه از جان و دل مایه می‌گذاشتند! گاهی نیز روی شن‌های کنار رودخانهٔ شهر یا چمن باغ فلاح (کشاورزی) و شهناوی به کشتی گرفتن و دو و میدانی مشغول بودیم.

● استاد، در خصوص سوابق تحصیلی و هم‌چنین ورزشی‌تان شرحی بیان کنید و چون شما را بیش‌تر با رشتهٔ ورزشی فوتبال می‌شناسند، لطفاً در این باره توضیح جامعی بدهید.

○ در خصوص سوابق تحصیلی‌ام باید توضیح دهم که پس از پایان دوران ابتدایی قرار بود من و چند نفر دیگر در مدرسهٔ روستایی (به‌ویژه کشاورزی و دامداری و...) تحصیل کنیم. دبیرانی مثل مهندس جهان‌آرا و مهندس نادری نیز به همین خاطر به خرم‌آباد منتقل شدند. دو سال به انتظار نشستیم و چون خبری نشد، در دبیرستان پهلوی سابق (دبیرستان امام خمینی کنونی خرم‌آباد) وارد سیکل اول شدیم. چون سیکل

دوم دبیرستان

رشتهٔ دلخواه ما

را نداشت، به اتفاق

آقایان دکتر سیدحسن حکمت،

دکتر چگنی، نبی‌الله دلاوری، احمدعلی نیک‌پی،

یدالله امیدزاده، نصرت‌الله حبیبی و محمد زکیان در آزمون

دانش‌سرای کشاورزی بروجرد شرکت کردیم و قبول شدیم.

در دانش‌سرا، فوتبال را به صورت جدی دنبال کردم و به همراه

این تیم در سال ۱۳۳۷ نایب قهرمان استان ششم (خوزستان)

شدیم.

زمانی که در سیکل اول (معادل دورهٔ راهنمایی) تحصیل

می‌کردم، عضو تیم فوتبال آموزشگاه‌ها و منتخب شهر خرم‌آباد

بودم. در حقیقت، جوان‌ترین بازیکن این تیم بودم و در کنار

بازیکنانی چون غلام‌حسین برنجی، غلام‌ترابی، سیروس

شجاع، هوشنگ جباری، محمدحسین (مکه) طولابی بازی

می‌کردم. در دههٔ ۳۰، عضو تیم‌های فوتبال منتخب خرم‌آباد

و بروجرد بودم و به دعوت مرحوم مرید ارشد، مدیر و بازیکن

تیم فوتبال شاهین دورود (اولین باشگاه فوتبال لرستان)،

سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۸ برای این تیم بازی کردم.

با توجه به علاقه‌مندی به ورزش، آقای دهقان رئیس

دانش‌سرا مرا به عنوان مسئول ورزش آن‌جا برگزید، لذا در

چند رشته فعالیت می‌کردم. در دو و میدانی قهرمان دوهای

سرعت آموزشگاه‌های بروجرد شدم و در رشته‌های وزنه‌برداری

و کشتی نیز در دانش‌سرای بروجرد فعالیت داشتم و قهرمان

آموزشگاه‌های بروجرد نیز شدم.

● دوران کودکی شما چه کسانی در توسعهٔ ورزش لرستان

نقش آفرینی کردند؟

○ برخی از حوادث دههٔ ۲۰ دلیل اصلی جذب اقبال مردم

به ورزش شد از قبیل، فعالیت‌های ورزشی نظامیان خارجی

(انگلیسی، آمریکایی و هندی) و ایرانی (نیروهای ایرانی

لشکر پنجم) و فرهنگیان غیربومی حاضر در لرستان که در

مکان‌هایی نظیر میدان تیر، منوچهرآباد و هنگ‌سوار به بازی

و مسابقه می‌پرداختند و دیگران نیز از راه تماشای علاقه‌مند

شدند.

● آقای جایدری، آغازگران ورزش مدرن در خرم‌آباد و

لرستان چه کسانی بودند؟

○ چون تا اوایل دهه ۳۰ نبض ورزش خرم‌آباد و لرستان در اختیار نظامیان بود، لذا اولین ورزشکاران رشته‌های فوتبال، والیبال، بسکتبال، وزنه‌برداری، دوچرخه‌سواری و... نظامیان غیر بومی بودند و اصولاً چگونگی تولد هر یک از این رشته‌های ورزشی در لرستان نیز از همین مسئله ناشی می‌شود. نظامیانی چون بهارلو (شیرازی)، حسین‌آبادنی، عبدالله گودرزی، فراهانچی و محبی در فوتبال؛ وزیری، سررشته، قوام رازانی، باوندپور و رسولی در بسکتبال و سروان اصغری و علی فولادی در وزنه‌برداری از جمله نظامیان علاقه‌مند به ورزش در خرم‌آباد به‌شمار می‌رفتند. از اولین خرم‌آبادی‌های فعال در فوتبال می‌توان از اسامی غلام ترابی‌نژاد، غلام‌حسین برنجی، فیروز، مسعود و سیروس شجاع‌چاغروند، برادران طولابی، جمشید و هوشنگ جباری و برادران رهبری‌نژاد نام برد. در دهه ۴۰، شکوفایی فوتبال خرم‌آباد را با حضور افرادی چون توکل الماسیان، قاسم طیبی، سعید گودرزی، اسماعیل بختی، اکبر و غلامرضا سلاحورزی، حمیدرضا و عبدالرضا عطاری، قدرت‌الله کاوه، یدالله و نورالله حسامی، صحبت‌الله و کاظم ساکی، باقر و جعفر سپهوند، فتح‌الله کریمی، عبدالرضا نصراللهی، موسی فرخ‌نیا و چند نفر دیگر شاهد بودیم که اکنون حضور ذهن ندارم. در وزنه‌برداری، نیز کسانی چون سیدمحمد خلفی، غلام (جهان‌شاه) اسدی، برادران مصطفی‌زاده، پرویز شجاع، برادران جام‌آبادی، رفیعی، حیدرپناه و گل‌زردی خود را مطرح کردند. نظام نظری، سیدمصطفی کریمی، حنیفه گودرزی، خسرو دیناروند، عیدی علیخانی و رضا پورفرخ نسل بعدی دو و میدانی لرستان بودند که پس از افرادی چون شاهپور کریمی و بختیار کاظمی نام لرستان را بلند آوازه کردند. بسکتبال نوین نیز در لرستان با تلاش‌های قدرت‌الله و صحبت‌الله ستاری، علی‌محمد خدایر حمیان، جمشید جباری و سپس اریک هاکوپیان، مرحوم علی احمدیان، اخوان گودرزی، اخوان مرادی و احمد سلطانی پایه‌ریزی شد.

● از نظر شما شکوفایی ورزش خرم‌آباد چه زمانی آغاز شد؟
○ عمده‌ترشد و توسعه ورزش در لرستان و به‌خصوص در

خرم‌آباد به اواخر دهه ۴۰ باز می‌گردد که با افزایش دبیران ورزش خرم‌آباد شاهد رشد و اشاعه آن در مدارس بودیم. آقایان شهاب اسماعیلی لشکری، سیدحمید جزایری، مرحوم احمد رضایی (به‌خصوص در کشتی)، ولی گودرزی، نصرت‌الله کاشانه، سید نورالله سیف، سید غلام‌حسین سیدین و محمد کریمی تلاش چشمگیری کردند.

● اولین مربیان و داوران استان در رشته‌های مختلف ورزشی چه کسانی بودند؟

○ پیش از پاسخ به این سؤال باید توضیح دهم که تا سال ۱۳۵۰ تمام ورزش در آموزشگاه‌ها خلاصه می‌شد و از این سال با تصویب مجلس سازمان تربیت‌بدنی شکل گرفت که شماری از دبیران ورزش از آموزش و پرورش به سازمان رفتند و برخی اماکن ورزشی آموزش و پرورش به تربیت‌بدنی واگذار شد. در آن سال‌ها، مانند امروز مربیان و داوران دوره‌دیده وجود نداشت، چون اصولاً رقابت‌های ورزشی زیادی در کشور برگزار نمی‌شد. در دهه‌های ۳۰ فقط معدودی مربی و داور آموزش‌دیده در لرستان وجود داشت. از آن‌جا که شهرستان بروجرد، نسبت به خرم‌آباد به تهران نزدیک‌تر بود، اولین مربیان ورزش و تربیت‌بدنی که مدرک آن‌ها دیپلم بود، اما احکام ورزشی داشتند، از این شهر به خرم‌آباد آمدند. نظیر آقایان: عبدالحسین فطرس، علی یزدانفر، سهرابی، حبیب‌الله حریری، مرحوم غلامرضا کاروان، مرحوم عبدالمحمد مطهری و رضا مهربان که برخی از آن‌ها از اولین کسانی در لرستان هستند که موفق به اخذ لیسانس تربیت‌بدنی شدند. رفته‌رفته در دهه ۴۰، به تعداد مربیان استان افزوده شد. اولین دبیر ورزش خرم‌آباد حاج‌محمدکریمی بود که حدود سال ۱۳۵۰ لیسانس تربیت‌بدنی گرفت.

من هم اولین مربی رسمی فوتبال خرم‌آباد بودم که دوره مربی‌گری فوتبال را سال ۱۳۴۴ در تهران و زیر نظر مرحوم حسین فکری مدرس دانش‌سرای عالی تربیت‌بدنی با موفقیت گذراندم. البته قبل از آن از محضر دکتر عطاءالله رازانی، که در بروجرد مربی من بود، کسب فیض می‌کردم. در مرداد سال ۱۳۴۷، نیز در رامسر زیر نظر آقایان داوود نصیری، اصغر تهرانی و جعفر نامدار در کلاس داوری درجه ۳ فوتبال به اتفاق آقای کاروان از بروجرد شرکت کردم و دوره را با موفقیت گذراندم، لذا اولین داوران رسمی فوتبال لرستان نیز ما دو نفر بودیم.

در فروردین ۱۳۴۸، به‌عنوان تنها داور لرستانی به کلاس توجیهی داوری در تهران اعزام شدیم که مدرس آن دوره آقای



اولین دبیر ورزش خرم آباد حاج محمد کریمی بود که حدود سال ۱۳۵۰ لیسانس تربیت بدنی گرفت.

**من هم اولین مربی رسمی فوتبال خرم آباد بودم که دوره
مربی گری فوتبال را سال ۱۳۴۴ در تهران و زیر نظر مرحوم
حسین فکری مدرس دانش سرای عالی تربیت بدنی با
موفقیت گذراندم**

کن استون، رئیس وقت کمیته داوران فیفا و مبتکر کارت های زرد و قرمز در فوتبال بودند. لازم به ذکر است که در آن سال ها شاید شمار داوران دوره دیده کشور به ۱۰۰ نفر نمی رسید! از آن تاریخ تا سال ۱۳۵۵، مسؤول کمیته داوران هیأت فوتبال لرستان بودم و در مقاطعی نیز به عنوان دبیر هیأت فعالیت داشتم و در این سال ها مربی گری تیم فوتبال آموزشگاه های لرستان از سال ۱۳۴۵ به مدت یک دهه بر عهده من بود و چند سالی نیز مربی تیم جوانان لرستان و باشگاه پاس خرم آباد در لیگ منطقه ای کشور و زیر گروه جام تخت جمشید بودم.

میدانی و... حضور یافتیم.

در والیبال و دو و میدانی قضاوت می کردم، اما عمده فعالیت من در رشته فوتبال بود که تا سال ۱۳۵۵ در لیگ های مختلف کشور به قضاوت پرداختم. علاوه بر مسؤولیت دبیری هیأت فوتبال لرستان و رئیس کمیته داوران استان، در رده های باشگاهی، آموزشگاهی و جوانان استان نیز مربی تمام تیم های لرستان بودم. از این سال به بعد فرصت را در اختیار جوان ترها نهادم تا در این زمینه مطرح شوند.

● چارت اداری ورزش شهر و آموزشگاه ها به چه صورت بود؟
○ در دهه ۳۰ سازمان تفریحات سالم تشکیل شد که معادل تربیت بدنی بود. رؤسای این سازمان در لرستان از بدو تأسیس تا سال ۱۳۵۰ به ترتیب عبارت بودند از آقایان: عبدالحسین فطرس، هوشنگ وفی، حبیب الله حریری و نیکولای علیین. هیأت های ورزشی فوتبال و والیبال در دهه ۴۰ تأسیس شدند. در سال ۱۳۵۰ تربیت بدنی آموزش و پرورش به دو بخش تفکیک شد و سازمان تربیت بدنی به فعالیت مستقل پرداخت که هیأت ورزشی زیرمجموعه آن شدند.

● شما از نخستین مربیان بومی خرم آباد بوده اید. برخی از کسانی را که با شما و زیر نظر شما کار کرده اند نام ببرید.

○ در رشته فوتبال آقایان: قاسم طیبی، اسماعیل بختی، نصرت اله و فضل اله و ناصر میرزائی، حمیدرضا و عبدالرضا عطاری، باقر و جعفر سپهوند، محمدحسین نصیرمقدم، اکبر و غلامرضا سلاح ورزی، احمد کمالوند، شاهرخ نراقی، سعید و سیروس گودرزی، قدرت اله کاوه، مرحوم عبدالرضا خدامیان، مرحوم حمید مهدی خانی، تورج پدرام، موسی فرخ نیا، فضل اله حیدری، نصرت اله نعمت الهی، کامران رحلی، غلام چگنی، احمد جاودانه، غلامرضا زینی وند، غلامرضا و اکبر سلاح ورزی، حسن حسین بیگی و خیلی های دیگر که متأسفانه اکنون حضور ذهن ندارم.

● وضعیت ورزش شهر و آموزشگاه های خرم آباد نسبت به کشور چه طور بود؟

از استخدام و فعالیت در آموزش و پرورش در کنار ورزش هم صحبت کنید.
○ بنده از ۱۱ مهر ۱۳۳۹ وارد آموزش و پرورش شدم و پس از ۳۴ سال خدمت در سال ۱۳۷۴ بازنشست شدم. سال های ابتدایی در بخش سلسله (روستاهای امیر و تملیه) و از سال ۱۳۴۳ در بخش چگنی (سراب دوره و سراب نیلوفر) مشغول خدمت بودم. پس از آن در سال ۱۳۴۵ به اتفاق آقای ولی گودرزی اولین مربیان ورزشی بومی شهر خرم آباد بودیم که به عنوان دبیر ورزش در مدارس شهر خرم آباد کارمان را آغاز کردیم. در دهه ۴۰، مسؤول کمیته مسابقات آموزش و پرورش فرمانداری کل لرستان بودم و در سال ۱۳۵۳، زمانی که لرستان استان شد، این افتخار را داشتم که در دو مقطع به عنوان مسؤول تربیت بدنی اداره کل تا سال ۱۳۵۶ به دانش آموزان استان خدمت کنم. در دهه ۶۰، تا زمان بازنشستگی نیز مسؤول انجمن فوتبال آموزش و پرورش خرم آباد و در مقطعی استان بودم.

● جناب جایدری، فقط مدرک داوری اخذ کردید یا به قضاوت پرداختید؟

○ با توجه به علاقه وافر، همواره در کلاس های مربی گری و داوری شرکت می کردم. برخی فقط مدرک اخذ می کردند و عملاً به قضاوت یا مربی گری نمی پرداختند. بین سال های ۱۳۳۹ - ۱۳۵۵ در دوره های مختلف داوری و مربی گری رشته های

○ در زمان قدیم، ما کمبود امکانات را با عشق، تعصب و تا حدودی ابتکار جبران می‌کردیم. گفته‌اند که «خلاقیت در محرومیت است» از آهن و سنگ وزنه درست می‌کردیم یا تکه پارچه‌ها را درون هم قرار می‌دادیم و دور آن را می‌دوختیم تا در دسته‌های کوچک و بزرگ به فوتبال بپردازیم. به نظر من، پایه و اساس ورزش در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. تا توجه ویژه به این بخش نداشته باشیم و استعدادیابی را به‌صورت فراگیر از این نقطه آغاز نکنیم، موفقیت چندانی کسب نمی‌کنیم و فقط به‌صورت تصادفی قادر به کشف استعدادها خواهیم بود.

● وضعیت ورزش بانوان را در آن زمان چه‌طور می‌توان توصیف کرد؟

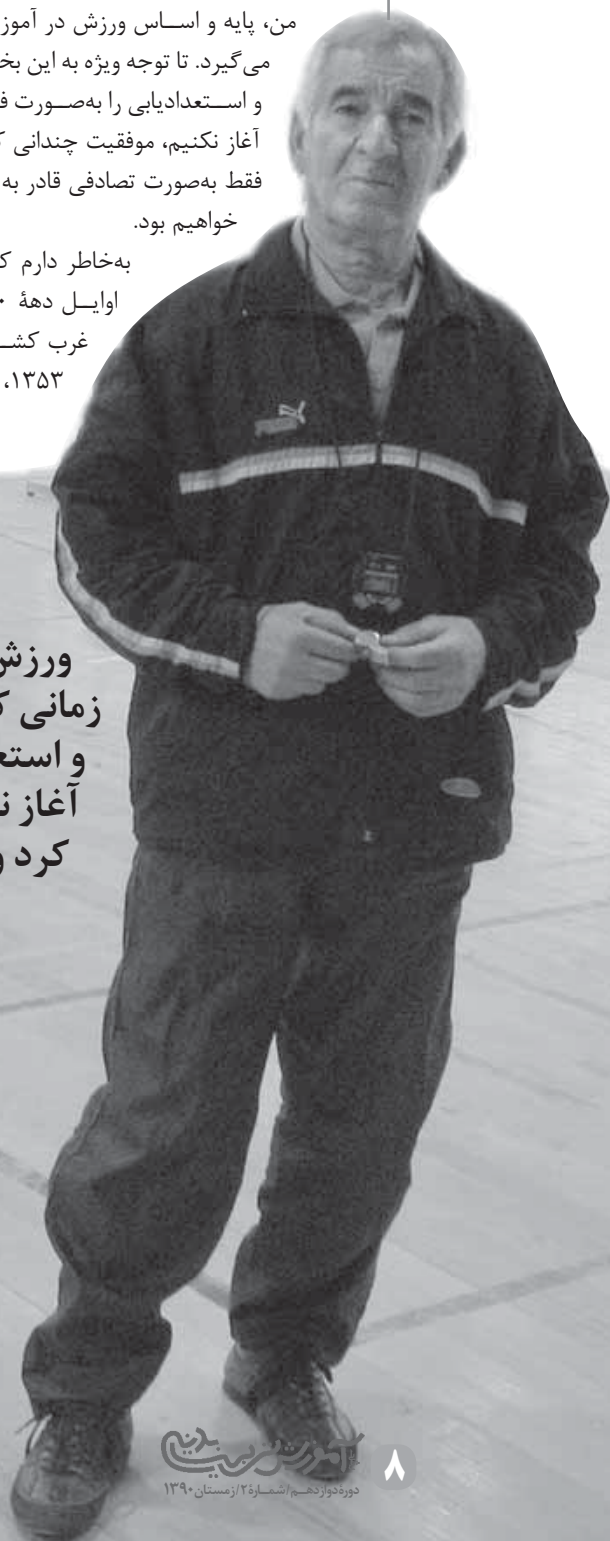
○ در سال ۴۶ اولین حضور دختران لرستانی در مسابقات قهرمانی آموزشگاه‌های کشور در تبریز بود که در رشته دو و میدانی بین تمام فرمانداری‌های کل مقام اول را کسب کردیم.

● چه کسانی حامی ورزش در شهر یا ورزش آموزشگاه‌ها

به‌خاطر دارم که فوتبال لرستان اوایل دهه ۵۰ قدرت مطلق غرب کشور بود و در سال ۱۳۵۳، که با نایب

پایه و اساس

ورزش در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. تا زمانی که توجه ویژه به این بخش نداشته باشیم و استعدادیابی را به‌صورت فراگیر از این نقطه آغاز نکنیم، موفقیت چندانی کسب نخواهیم کرد و فقط به‌صورت تصادفی قادر به کشف استعدادها خواهیم بود





بودند؟

○ تا سال ۱۳۵۰

تمام امکانات

ورزشی اعم از اماکن و وسائل

در اختیار آموزش و پرورش بود و مسؤول

تربیت بدنی آموزش و پرورش هر استان یا فرمانداری کل، مسؤول تربیت بدنی استان محسوب می شد. پس از تفکیک، اکثر اماکن در اختیار سازمان قرار گرفت، اما بیش تر نیروها در اختیار آموزش و پرورش بود. ما هر وقت مسابقات قهرمانی آموزشگاهها را برگزار می کردیم، شاید دست کمی از مسابقات قهرمانی کشور نداشت. چون علاوه بر حضور تماشاچیان، مدیران مدارس نیز جهت تشویق تیم های خود حضور داشتند. لازم به یادآوری است برخی مسؤولین نیز که علاقه مند به ورزش بودند، در پیشرفت آن سهم بسزایی داشتند که از آن جمله استاندار وقت دکتر ابراهیم فرحبخشیان و شهردار آقای علی محمد ساکی را می توان نام برد. انسان باید همیشه از کسانی که به دیگران خدمت کرده اند، به نیکی یاد کند.

● **استاد جایذری، با توجه به سالیان طولانی که در ورزش بوده اید و به عنوان ورزشکار، داور و مربی فعالیت داشته اید، خاطراتی برای ما بازگو کنید.**

○ دو موضوع را خوب به خاطر دارم یکی ظهور پدیده ای به نام غلامرضا زینی وند در فوتبال لرستان بود. در سال ۱۳۵۱، که مربی تیم آموزشگاه های استان بودم، محل تمرین تیم زمین شماره ۲ ورزشگاه تختی بود. یک روز هنگام تمرین در محوطه کنار زمین، استیل و بازی نوجوانی نحیف و ریزاندام توجه ام را جلب کرد که با دوستانش مشغول بازی بود او را صدا زدم و نامش را پرسیدم. سپس پرسیدم دانش آموز هستی؟ پاسخ مثبت داد و گفت که در سیکل اول درس می خواند. و از او سؤال کردم چرا در مسابقات انتخابی آموزشگاهها بازی نکردی؟! پاسخ داد: تیم مدرسه ما را کاپیتان تیم رفاقتی انتخاب و ارنج می کرد و مرا کنار گذاشت! همان جا او را به تمرینات دعوت کردم و کم تر از دو سال بعد یکی از ستارگان فوتبال لرستان و ایران شد. با همان سن کم در ترکیب اصلی تیم های نوجوانان و جوانانی قرار گرفت که ۳-۴ سال از او بزرگ تر بودند.

خاطره دیگر اینکه در سال ۵۳ که تیم جوانان لرستان

را برای حضور در

رقابت های قهرمانی

کشور در اصفهان آماده

می کردم، با مدیر کل وقت تربیت بدنی

لرستان بر سر اهدا گرمکن ورزشی بازیکنان اختلاف نظر

پیدا کردم. ایشان معتقد بود که باید لباس های گرم ورزشی

بازیکنان را پس از مسابقات از آن ها گرفت! بنده به نشانه

اعتراض، ۳ هفته مانده به شروع مسابقات از مربی گری تیم

استعفاء دادم و خاطر م هست که یک روز ناصر میرزائی و

عبدالرضا خدامیان لباسها را درون گونی گذاشته و نزد من

آوردند و گفتند: آقا لباسها را آوردیم پس بدهیم تا شما

سر تمرینات حاضر شوید! گفتم: چه من مربی شما باشم چه

هر کس دیگر، وظیفه شما بازی کردن است و فقط به کار

خود مشغول باشید. سپس خودم با مرکز مکاتبه و درخواست

یک مربی غیربومی کردم که آقای عباس گیشویی (سروری)

را از خرمشهر فرستادند (البته ایشان بوشهری بودند). ایشان

را به بچه ها معرفی کردم. تیم به اصفهان رفت تا در مسابقات

جوانان کشور سال ۱۳۵۳ شرکت کند. به گیشویی توصیه

کردم که مواظب رفتار غلامرضا زینی وند باشد چرا که با داور

زیاد صحبت می کند. متأسفانه اعتراض زینی وند در بازی

نیمه نهایی باعث اخراج و محروم ماندن او از شرکت در فینال

شد و دلیل اصلی قهرمان نشدن لرستان به همین مسأله

مربوط می شد و ۴-۲ به خوزستان باختند و دوم شدند.

● **آیا به پاس این همه فعالیت ورزشی تاکنون از شما**

تقدیری شایسته شده است؟

○ در قالب تقدیرنامه که بسیار! دوبار به عنوان دبیر نمونه

تربیت بدنی در استان و کشور انتخاب شدم. در سال ۱۳۸۲

نیز به اتفاق آقای عبدالحمید مطهری، از بروجرد، کسانی

بودیم که کارت رسمی پیشکسوتی را توسط معاونت

ورزشی دریافت کردیم. در سال ۱۳۷۳، پس از ۳۶ سال

خدمت در آموزش و پرورش لرستان، بازنشسته شدم که در

این مدت ۱۰ سال مسؤول برنامه ریزی ورزش استان بودم.

آخرین بار نیز در اردیبهشت ۱۳۹۰ توسط آقای مجتبی

کلانتری فرد رئیس اداره تربیت بدنی آموزش و پرورش استان

از پیشکسوتان استان تقدیر شد که جا دارد از همه همکاران

تقدیر و تشکر کنم.